یکقدم سریع برای اصلاحات

ل، ع - و

برطبق اخبار مندرجهء در اغلب جرائد مرکز اخیرا ادارهء تعلیمات‏ عمومی قانون استخدام کارکنان مدارس را در تحت هفت ماده تنظیم نموده حد اقل‏ حقوق را 32 و حد اکثر را سیصد و کسیری تومان قرار داده تقدیم مقام‏ منیع وزارت متبوعهء خود نموده است و نیز مطابق اطلاعات خصوصی در این‏ قانون بیشتر معلومات و اطلاعات مدرک ترفیعات میباشد بطوریکه من بعد هر کس بیشتر در تکمیل نفس و جدیت در کار کوشید ترقیاتش بهتر و سریعتر پیشرفت مینماید.

بدیهی است تا ادارهء تعلیمات عمومی نظر مقامات مافوق را جلب‏ ننموده باشد این قانون را نخواهد نوشت و بنابراین قانون از وزارت‏ معارف تقدیم دار الشورای ملی خواهد شد و آنوقت است که آقایان‏ وکلاء باید با تمام قوا در گذشتن قانون تسریع نمایند و نام نیک خود را بیادگار بگذارند.

چرا این قانون را تا این حد مهم میدانیم؟

اولا هیچ دلیل ندارد تمام کارکنان دولت مسؤل یک قانون عمومی‏ و یا خصوصی باشند و معلمین و کارکنان مدارس که باید از نظر تعلیم و تربیت متزلزل و بی‏اعتماد بنفس نبوده باشند متاسفانه برخلاف دائما با خیالی پریشان مشغول کار و هنوز دارای یک قانونی که جلوی تزلزل آنها را بگیرد نباشند چه این تزلزل در مقام متضمن تزلزل در روح است و چون‏ معلم طبیب روح است و از طبیب مریض و پریشان نمیتوان زیاد انتظار حذاقت و مهارت داشت البته در صورت علاقهء بتعلیم و تربیت باید تمام‏ وسائل ممکنه را برای فراهم نمودن آسایش این دسته کارکنان بکار برد. ثانیا باید دید دنیای متمدن امروز روی چه اصل و بچه دلیل ترقیات شایان‏ نموده و برای چه مانند برقی لامع پیشرفت مینماید؟

برای آنست که اهل علم و فضل و کمال را با تمام تدبیرات لازم از قبیل فراهم نمودن وسائل معاش و زنده داشتن ابدی او و تکریم و حفاظت‏ خانواده‏اش آسوده خاطر میدارد و بطرق عدیده بزرگان علم و دانش را زیاد مینماید و از پرتو وجود آنها نتایج محیر العقول میبرد و این قانون‏ نیز بواسطه تعیین حقوق کافی و اهمیت بمقامات علمی و فضلی اشخاص‏ دانشمند را بوزارت معارف جلب خواهد کرد و آن وزارتخانه را که محور اصلی پیشرفت مملکت است بسمت کمال واقعی سوق خواهد داد و امیدوار مینماید که مملکت ما نیز بقافله تمدن نزدیک شود

بنابراین باید از وزارت معارف تقدیر کرد که تازه پس از مدتها انتظار باین فکر افتاده و میخواهد مثل بعضی قدم‏های حقیقی و واقعی اخیر خود قدمی دیگر برای اصلاحات اجتماعی و مملکتی بردارد

ع-م-ل

\*\*\* نگارنده محترم مقاله از اشخاصی است که بیش از همه از امور معارفی‏ مطلع‏اند و آنچه را نوشته‏اند از روی علم و اطلاع و تجربه می‏ باشد و بمحض تصور و خیال قلم را برای نگارش در دست نگرفته‏اند. بدیهی است.که هر امیدی به آتیه مملکت داشته باشیم فقط و فقط بواسطهء معلم است ممالک دیگر بواسطهء معلم از ما جلو افتاده‏اند و ما نیز جز بواسطهء معلم بایشان نخواهیم رسید و معلوم است که تا معلم از زندگانی‏ خود مطمئن و به آتیهء خود امیدوار نباشد نمیتوان از او امیدی داشت‏ و چیزیکه او را از تزلزل خارج میکند همانا قانون استخدام معلمین است‏ هر وقت وزارت معارف این قانون را بطوریکه کاملا بنفع معلمین باشد تدوین کرده و از تصویب مجلس گذرانید بداشتن معلمین لایق و کافی موفق‏ خواهد شد و الا مادامیکه معلمین متزلزل و تکلیفشان غیر معلوم است به‏ وزارت جلیلهء معارف قول می‏دهیم که آدمیکه اندک دست و پائی داشته‏ باشد باین شغل تن در نخواهد داد و هرکس هم مجبورا قبول کرد دائما منتظر است که مفری پیدا کرده و از این وزارتخانه یعنی این سمت فرار کند.افتتاح کلاس قضائی بهترین دلیل این مدعاست.البته خود آقایان رؤسای معارف بهتر می‏دانند که معلمین مدارس مخصوصا مدارس‏ ابتدائی چگونه باین کلاس هجوم آوردند چرا؟.برای اینکه تصور کردند برای‏ تبدیل شغل معلمی بشغل دیگر راهی پیدا شده است.

ایمان و عقیده

هیچ امر بزرگ و کوچکی در دنیا انجام نمیگیرد جز در سایهء ایمان‏ و عقیده.مثلا آن سرباز یا صاحبمنصب شجاعی که برای دفاع از وطن جان‏ گرامی را کف دست میگذارد و داوطلبانه برای حمله بدشمن پیشقدم میگردد و ملتی را از اسارت و بندگی نجات میدهد فقط بواسطه ایمانی است که به‏ آزادی و استقلال وطن خویش دارد.و آن مخترعی که سالهای متمادی‏ مغز خود را خسته مینماید و با فلاکت و تنگدستی میسازد تا موفق به آن‏ اختراع گردد فقط بواسطه ایمان و عقیده ایست که به آن کار دارد و آن‏ دانشمند بزرگی که عمر گرانمایه را برای تحقیق یک مسئلهء علمی یا تألیف‏ یک کتاب مفید صرف مینماید جز ایمان و عقیده‏ای که بنشر علم و خدمت‏ بجامعه انسانیت یا بقوم و ملت خویش دارد چیز دیگر او را بتحمل آنهمه‏ زحمت و تتبع وادار نمی‏نماید.همانطور آن متمولی که قسمتی از مال‏ خویش بخیرات و مبرات یا برای تکمیل قوای دفاعه مملکت تخصیص می‏ دهد جز ایمان به نیکوکاری یا بوطن و ملیت چیز دیگر نمی‏تواند او را وادار باین بذل و بخشش بنماید

وقتی که تاریخ جهان را بنظر می‏آوریم می‏بینیم تنها آن ملتی‏ توانسته است که در مقابل حوادث روزگار ثابت و پایدار بماند و بر دیگران‏ نیز سیادت و فرمانروائی کند که نور ایمان در قلوب افرادش مشتعل بوده‏ و جان فشانی در راه عقیده سهل و آسان میشمرده‏اند ملت روم تا موقعی‏ توانست که بر نصف دنیای امروز حکومت کند که فرد فرد ملت روم بعظمت‏ و اقتدار روم ایمان داشتند.